

فعالان یکی از محلات قدیمی مشهد برای ثبت تاریخ شفاهی و هویت محله دست به کار شدند

قصه‌های تلگرد در مسیر ماندگاری

اطلاعات و خاطرات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند. برخی روایت هائیز به گفته او برای خود اهالی تازگی دارد و می‌تواند بخش‌هایی ناشناخته از گذشته محله را روشن کند.

● کاری برای نسل بعد

سید سعید موسوی، نویسنده و مدرس ادبیات داستانی، مسئولیت بازنویسی و تدوین روایت‌های کتاب محله تلگرد را بر عهده دارد. او که سال‌ها در حوزه نویسندگی، رمان، زندگی‌نامه و نقد ادبی فعالیت کرده، معتقد است برای شناخت یک محله باید از دل روایت‌های مردم به گذشته آن رسید.

موسوی از هم‌صحبتی با سالمندان و ساکنان قدیمی محل درباره شکل‌گیری محله و زندگی در گذشته می‌گوید و در کنار آن‌ها، از افرادی سخن به میان می‌آورد که ساکنان ورویان امروز محله هستند؛ هدف این است که از گذشته شروع کنیم و به امروز برسیم؛ تلاش داریم از مجموع این گفت‌وگوها تصویری از هویت محله شکل بگیرد و روایت‌های پراکنده مردم در قالب یک کتاب منسجم کنار هم قرار بگیرد. کتابی که برای آگاهی نسل بعد، از گذشته شهر و برای همه آن‌هایی که در پی شناخت تاریخ مشهد هستند، به عنوان اثری راهنما و کاربردی خواهد بود.

به این ترتیب، قرار است آنچه سال‌ها در حافظه شفاهی مردم تلگرد باقی مانده، از خاطره‌ای شخصی فراتر برود و به بخشی از تاریخ مکتوب محله تبدیل شود؛ کتابی که روایت آن نه فقط درباره ساختمان‌ها و خیابان‌ها، بلکه درباره آدم‌هایی است که تلگرد را ساخته‌اند و خاطراتشان بخشی از هویت این محله قدیمی مشهد است.

بخش دیگری از این کار به ثبت خاطرات مرتبط با انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و شهدای محله اختصاص دارد. همچنین تلاش شده از فرصت گفت‌وگو با پدران و مادران شهدا و افرادی که در رویدادهای مهم گذشته نقش داشته‌اند، استفاده شود تا روایت‌هایی که ممکن است در گذر زمان از بین بروند، ثبت و نگهداری شوند.

● روایت‌هایی که نباید فراموش شوند

یوسفی درباره ضرورت این کار تأکید می‌کند: تلگرد از محلات قدیمی مشهد است و بیش از سیصد سال قدمت دارد. لازم است مستنداتی از این گذشته تهیه شود تا آیندگان بدانند این محله چگونه شکل گرفته، چه کسانی در آن اثرگذار بوده‌اند و چه اتفاقاتی در طول سال‌ها در آن رخ داده است. به گفته یوسفی، این کار با استقبال بسیار خوب اهالی روبه‌رو شده و بیشتر افرادی که برای گفت‌وگو و معرفی افراد مطلع به سراغشان رفته‌اند، با همراهی و همکاری



سکینه تاجی | هر محله قصه‌هایی دارد که لایه‌لای کوچکی‌های قدیمی، خاطرات آدم‌ها و روایت نسل‌های گذشته پنهان مانده‌اند: قصه‌هایی که اگر امروز ثبت نشوند، شاید فردا آنها رد کم‌رنگی از آن‌ها باقی بماند. در محله قدیمی تلگرد، جمعی از اهالی و فعالان محله دست به کار شده‌اند تا این خاطره‌ها را از حافظه مردم به صفحات یک کتاب بیاورند؛ تلاشی برای ثبت گذشته، شناخت هویت امروز و به یادگار گذاشتن روایتی ماندگار برای نسل‌های آینده.

● ایده‌ای که بالاخره جان گرفت

محمد یوسفی، عضو شورای اجتماعی محله تلگرد، در همین محله متولد شده و حالا در آستانه پنجاه سالگی همچنان خود را فرزند همین محله می‌داند؛ او درباره شکل‌گیری ایده تهیه کتاب محله تلگرد می‌گوید: این موضوع چند سالی بود که میان فعالان محله مطرح می‌شد، اما پس از مدت‌ها، به تازگی و با فراهم شدن شرایط لازم و همکاری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری برای مستندنگاری محلات مشهد، این ایده وارد مرحله اجرایی شد.

حالا حدود دو ماه است که کار به صورت منظم دنبال می‌شود و در این مدت، جلسات متعدد با حضور افرادی از گروه‌های مختلف سنی و شغلی برگزار شده است. موضوعات گفت‌وگوها نیز تنها به خاطرات شخصی محدود نمی‌شود. تاریخ، شکل‌گیری محله، وضعیت اقتصادی و اشتغال، مسائل اجتماعی، ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی، افراد اثرگذار، بافت قدیمی و محدود قله تاریخی تلگرد، از جمله محورهایی است که در جلسات بررسی شده است.

امید محله مسلم، با کمربند مشکی دان ۳ از قهرمانی استانی تا مسابقات آسیایی پیش رفته است

ممتاز مدرسه قهرمان کاراته



● در هفته چقدر برای ورزش وقت می‌گذاری؟

سه روز در هفته به باشگاه مالک اشتر در محله بلال می‌روم. در زمان‌های خالی هم کاتا تمرین می‌کنم.

● درس‌هایت در کنار ورزش چطور پیش می‌رود؟

در این شش سال، فعالیت ورزشی تأثیر منفی روی درس‌هایم نداشته است. امسال برای پایه هفتم در آزمون مدرسه امام رضا (ع)، شرکت کردم و قبول شدم که از مدارس نمونه است. از اینکه می‌توانم در کنار ورزش در آن مدرسه درس بخوانم، خوشحالم.

● فعالیت و علاقه‌مندی دیگری هم داری؟

در کنار مدرسه و کاراته، به کلاس زبان هم می‌روم. برای همه این‌ها برنامه‌ریزی می‌کنم تا وقت کم نیآورم.

● الان صاحب چه کمربندی هستی؟

کمربند مشکی دان ۳ دارم. دوست دارم ورزش را ادامه بدهم و بشوم یکی مثل استاد حامد ظفرانلو که بالندسوزی به ما آموزش می‌دهد.

● اگر در آینده مربی شوی، برای بچه‌های محله‌ات چه کاری انجام می‌دهی؟

بچه‌های محله را به ورزش دعوت می‌کنم؛ حتی اگر آن‌ها پول نداشته باشند، با آن‌ها کنار می‌آیم تا کسی به خاطر پول از ورزش دور نشود.

● کاراته چه تغییری در تو ایجاد کرده است؟

همه می‌گویند صبور شده‌ام و خودم هم کمتر پیش می‌آید که مثل قدیم زود ناراحت شوم.

محمد رضا فیضی | سید ابوالفضل میرقلمی، نوجوان دوازده ساله محله مسلم، شش سال است کاراته را دنبال می‌کند؛ ورزشی که به گفته خودش حالا دیگر بخشی از زندگی‌اش شده است. او که از ابتدا تصمیم داشته در کنار درس، یک مهارت ورزشی هم یاد بگیرد، امروز کمربند مشکی دان ۳ دارد و تجربه حضور در مسابقات آسیایی، کشوری و استانی را در کارنامه‌اش ثبت کرده است.

● چه شد که از میان رشته‌های ورزشی، کاراته را انتخاب کردی؟

شش ساله بودم و دوست داشتم ورزشکار شوم. پدرم پرس و جو کرد و من رابه سالن ورزشی مالک اشتر بردم و در رشته کاراته ثبت نام کردم.

● تا امروز چه مقام‌هایی به دست آورده‌ای؟

سال ۱۴۰۳ در مسابقات آسیایی اصفهان شرکت کردم و مقام اول رابه دست آوردم. سال ۱۴۰۲ هم در مسابقات کشوری بابل مقام سوم را کسب کردم. در مسابقات استانی تهران در سال ۱۴۰۳ و مشهد در سال ۱۴۰۴ هم شرکت کردم و مدال طلا گرفتم. در مسابقات باشگاهی نیز توانستم مقام‌های اول، دوم و سوم را به دست بیاورم.

● کدام مدال و مسابقه بیشتر از همه، برایت شیرین بوده است؟

مدال طلای آسیایی اصفهان را خیلی دوست دارم.



چون برایش خیلی تلاش کرده‌ام. حدود دو ماه، هر شب تمرین می‌کردم. آن موقع از مشهد به اصفهان رفتیم و چون خوب تمرین می‌کردم، هر شب با خودم می‌گفتم من باید موفق شوم. مسیرش سخت بود و خستگی هم داشت، ولی آخرش توانستم حریف‌هایم را شکست بدهم و طلا بگیرم.

● در خانواده‌تان کسی هم ورزشکار است؟

پدرم وقتی نوجوان بوده والیبالیست بوده و مقام‌های زیادی هم به دست آورده است. او همیشه من را تشویق می‌کند که ورزش را ادامه بدهم و همین تشویق‌هایش به من انگیزه می‌دهد.